



An Analysis of the Historical Legacy of Iranian Taxation Laws From the Arrival of Islam to the End of the Samanid Era (30-395 AH)

Mehdi Ramezani¹   Amir Taymour Rafiei²  Hosein Mohammadi³ 

1.Ph.D, History Department, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran. mehdi59t@yahoo.com.

2.(Corresponding Author) Assistant Professor, History Department, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat,Iran. amirteymour_rafiei@yahoo.com.

3.Assitant Professor, History Department, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran h.mohammadi@khu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 26Nove2023

Received in revised

form:18Febr2024

Accepted: 26Febr 2024

Publishedonline:8Apri2024

Key word:

Iran,
Historical Legacy,
Tax,
Islam,
Samanid
dynasty(Sāmāniyān).

With the fall of the Sasanians and the inclusion of more civilized territories, especially Iran, into the Islamic domain, the administrative and fiscal system of ancient Iranians was utilized by Muslims. The Arabs were unfamiliar with an efficient and advanced tax system. They adapted it to Islamic standards, employing Iranian forces to enforce it and using tax terms such as "kharaj" and "jizya." Tax offices continued to use Pahlavi language scripts for years. Some even believed that the Abbasid era resembled the Sasanian period in terms of tax type and rates. Hence, based on such evidence, it can be argued that the foundation of Islamic taxation was influenced by the fiscal system of ancient Iran. This article, through fundamental subject analysis and utilizing a historical-analytical descriptive approach with library sources, explains various tax revenues, their collection methods, and amounts. Findings indicate that the Sasanian tax system, as an influential institution, played a significant role in the economic progress and consolidation of power for Muslim caliphs and was a substantial factor in strengthening the social, cultural, and political structure.

Cite this article: Ramezani ,Mehdi & Rafiei ,Amir Taymour& Mohammadi ,Hosein (2024). Investigating the historical legacy of Iranian taxation laws from the arrival of Islam to the end of the Samanid Era (30-395 A.H). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 18, No.34 Pages:115- 142.

DOI. 10.22111/JHR.2024.46987.3636






© The Author: Mehdi Ramezani Amir Taymour Rafiei Hosein Mohammadi

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



واکاوی میراث تاریخی قوانین اخذ مالیات ایرانی از ورود اسلام تا پایان عصر سامانیان (۳۹۵-۳۰ ق)

مهدی رضانی^۱  امیر تیمور رفیعی^۲  حسین محمدی^۳ 

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. mehdi59@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. amirteymour_rafiei@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، گروه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران. h.mohammadi@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

با سقوط ساسانیان و پیوستن سرزمین‌های متمدن‌تر به خصوص ایران به محدودهٔ ثغور اسلامی، نظام اداری و مالیاتی ایرانیان باستان مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت. عرب‌ها با این نظام مالیاتی کارآمد و پیشرفته هیچ‌گونه آشنایی نداشتند و با تطبیق آن قوانین با موازین اسلامی، از نیروهای ایرانی برای اجرا سود بردند و اصطلاحات مالیاتی مانند خراج و جزیه را به کار گرفتند. دفترهای دیوان مالیات تا سال‌ها بعد به زبان پهلوی نوشته می‌شد. حتی برخی معتقدند که عصر عباسی بر اساس نوع و نرخ مالیات، شبیه دوران ساسانی بود؛ لذا با توجه به چنین شواهدی می‌توان اظهار داشت که بنیان مالیات دوران اسلامی متأثر از نظام مالیاتی ایران باستان بود. این مقاله با توجه به ماهیت بنیادی موضوع و بهره‌جویی از روش تاریخی تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، انواع درآمدهای مالیاتی، نحوه دریافت و میزان آن را تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد نظام مالیاتی ساسانیان به‌عنوان نهادی تأثیرگذار، نقش بارزی در پیشرفت اقتصادی و استحکام قدرت خلفای مسلمان داشته است و عامل مؤثری در تقویت ساختار اجتماع، فرهنگی و سیاسی بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

واژه‌های کلیدی:

ایران،
میراث تاریخی،
مالیات،
اسلام،
عصر سامانیان.

استناد: رضانی، مهدی و رفیعی، امیر تیمور و محمدی، حسین (۱۴۰۳) واکاوی میراث تاریخی قوانین اخذ مالیات ایرانی از ورود اسلام تا پایان عصر سامانیان (۳۹۵-۳۰ ق)، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره ۳۴، ص ۱۱۵-۱۴۲.

DOI. 10.22111/JHR.2024.46987.3636

© نویسندگان . مهدی رضانی و امیر تیمور رفیعیو حسین محمدی



ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

یکی از ارکان مهم در قوام اقتصاد هر کشور، نظام جمع‌آوری مالیات بوده و هست. معمولاً اصلی‌ترین درآمد حکومت‌ها، درآمدهای مالیاتی است که برای هزینه‌های آن مهم و اساسی به شمار می‌رود. «مالیات» در فرهنگ لغت به معنی اجر و پاداش، باج و خراج، زکات مال، جریمه‌ای که حکومت به مناسبت؛ ارتکاب جرائم به‌ویژه از مرتکبین می‌گیرد و بالاخره مالی که حکومت‌ها، سالانه از شهروندان خود می‌گرفتند، آمده است. ساسانیان مالیات را به سه صورت مالیات اراضی، مالیات سرشماری و مالیات سرانه از مردم دریافت می‌کردند. (یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۲۰۳/۱) در دوران حکومت قرون اولیه ایران اسلامی (عصر اموی و عباسی)، صفاریان، آل زیار و سامانیان اخذ مالیات مانند دوران ساسانیان معمول بود و گاهی نیز برحسب احتیاج و سیاست حاکمان تغییر می‌یافت. در دستگاه ساسانیان ادارات مستقل و مجزا وجود داشت که به هر کدام از آن‌ها دیوان گفته می‌شد. دیوان‌های مالی متعدد که برای دریافت مالیات و مسائل دیگر مالی تشکیل شده بود، فقط مربوط به دولت ساسانیان نبود. حکومت ساسانی با شایستگی توانسته بودند این نهادها را - که از گذشته به آنان رسیده بود - تقویت و به شکلی کارا در خدمت خود درآورد. آن‌ها در دیوان‌های اداری قبلی تغییرات اساسی به وجود آوردند و برای اجرای نفوذ قدرت خود در بین مردم، دستگاه اداری قدرتمندی به وجود آوردند. در بیشتر مناطق با حضور دربار و هزینه آن، کشت شکر، برنج، محصولات باغی و محصولات دیگر، رونق یافت و با نظام مدیریتی حمل و نقل، توزیع و به‌خصوص نظام مالیاتی متمرکز تکامل یافت. در این مقاله سؤال اصلی این است که انواع درآمدهای مالیاتی، نحوه دریافت و مقدار آن در این دوران چگونه بوده است؟ البته یافته‌های مقدماتی نشان می‌دهد باتوجه به تداوم و استمرار نظام مالیاتی از ساسانیان به دوره اسلامی، این نظام در طول این دوران به یک نهاد مؤثر تبدیل شده و نقش بارزی در پیشرفت اقتصادی و استحکام قدرت‌ها داشته است و عاملی مؤثر در شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است.

هدف این مقاله، بررسی و ارزیابی قوانین اخذ مالیات و نقش آن در ایران دوره اسلامی تا پایان عصر سامانیان است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا به ورود اسلام به ایران و تأثیر آن بر قوانین اخذ مالیات توجه خواهد شد. سپس قوانین مالیاتی ایران قبل از اسلام و تأثیر اصلاحات اسلامی بر

این قوانین و چگونگی پرداخت آن و تغییراتی که رخ داده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. افزون بر این، نقش این قوانین در اقتصاد ایران مورد مطالعه قرار می‌گیرد و ضمن تحلیل و ارزیابی اثرات مالیات در ایجاد نظام مالی متوازن در ایران، به تأثیر مالیات بر رفاه اقتصادی جامعه و نقش آن در تأمین هزینه‌های دولتی اشاره خواهد شد. این مقاله، با توجه به ماهیت بنیادی، به روش تاریخی متکی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی مستند به منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

پیشینه تحقیق

در باره درآمدهای دولت‌های ایرانی در چهار قرن اول هجری از جمله مالیات و انواع آن تاکنون تحقیقات سودمند و زیادی انجام شده است. از جامع‌ترین آثار در این باب، کتاب «تاریخ اقتصادی اجتماعی ایران و ایرانیان...» از عدنان مزارعی (۱۳۴۸)، کتاب «خراج و نظام‌های مالی دولت اسلامی» نوشته ضیاءالدین الریس (۱۳۷۳)، مقاله «جزیه، خراج و شبکه آبیاری در قلمرو سامانیان» از حشمت اله سلیمی (۱۳۸۶)، مقاله «سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی» از سید محمد نوع پسند و هیرو عیسوی (۱۳۹۲)، کتاب «خراج از آغاز فتوح اسلامی تا میانه قرن سوم هجری» تألیف غیداء خزنه کاتبی (۱۳۹۳)، کتاب «منابع درآمد مالی امویان در خراسان» از مریم سعیدیان (۱۳۹۵)، مقاله «مالیات‌های اسلامی خراسان در اواخر عصر اموی» از علی شمس آریان و مهرناز بهروزی (۱۳۹۹) قابل ذکرند. توجه این آثار بیشتر معطوف به بررسی مسئله تاریخی درآمدهای ویژه مانند خراج در دوره‌ای خاص بوده است؛ اما آنچه در تحقیق پیش رو مدنظر است انواع منابع درآمدی باتکیه بر مالیات از ورود اسلام به ایران تا پایان عصر سامانیان (۳۰-۳۹۵ ق) و جنبه مقایسه‌ای بین دولت‌ها و تحولات در زمینه موردنظر است.

دیوان‌های مالی و مالیات دولت ساسانی

ادارات مستقلی در حکومت ساسانی وجود داشته که به هر کدام از آن‌ها دیوان می‌گفتند. برخی از این دیوان‌ها که مرتبط با امور مالی بودند عبارت‌اند از: دیوان خراج، دیوان استیفا (مأمور وصول مالیات‌ها)، دیوان وظایف (مأمور پرداخت حقوق و تقسیم اراضی)، دیوان اقطاع (رسیدگی به املاک و اراضی) و دیوان عَرَض (شمارش لشکریان و پرداخت حقوقشان). شاه مهربان‌گوناگونی برای انجام امور مختلف داشت و شاید برای هر کدام از آن‌ها نیز دیوانی وجود داشته است. (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۳۷؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ج ۲۱۴/۵) در متون پهلوی، واژه‌های باژ، باج، ساک،

ساو، سای و چراگ و چراگ به نوعی برای پرداخت غرامت و مالیات به کار رفته‌اند، در پارسی باستان و سنگ‌نوشته داریوش به شکل باجی (Baji) و به معنی بخش و سهم آمده است. (Floor. 2011:531)

عمده‌ترین درآمدهای دولت ساسانی مالیات بود. در این دوران مهم‌ترین مالیات‌هایی که گرفته شده است عبارت‌اند از: مالیات‌های گمرکی و تجاری، ارضی، سرانه (سرشماری)، آئین، اقطاع و مالیات‌های فوق‌العاده. از درآمدهای دیگر دولت که اهمیت کمتری داشتند عبارت بودند از: حقوق سلطنتی مثل درآمد معادن طلای فارانگیوم واقع در ارمنستان و غنائم جنگی شامل مقدار زیادی از پول‌های نقد و اشیای باارزش، درآمد املاک خالصه سلطنتی، سلاح، دام و مانند آن. (عرب و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۰) در نوشته‌ای که مسعودی آن را از خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱) نقل می‌کند، آورده است، خسرو اول مالیات را بنیان رونق و آبادی و پیشرفت مردم و جامعه و ارتش می‌دانست. (مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۱/۲۶۴)

یعقوبی و دینوری؛ دستگاه دیوانی را که در آن به امور مالیاتی رسیدگی می‌شد «سرای شمره» می‌گفتند، به معنی اقساط سه‌گانه و حساب. (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۰۰-۹۹؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۱/۲۰۳) طبری و دینوری اشاره‌ای به وجود یک نفر در دربار خسرو اول (۵۹۱-۶۲۸) به‌عنوان دبیر خراج اشاره دارند. (طبری، ۱۳۷۵: ج ۲/۷۵۳؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۱۰۰) واستریوشان سالار مسئول دیوان خراج بود و وسپهران متولی ذخایر و مخازن بودند و مقام او وسپهران همارکار نامیده می‌شد و همچنین عنوان گنجور مخصوص خزانه‌دار شاه بود. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۷۹) با اصلاح روش مالیات بر زمین در زمان کواد (قباد) از شکل پیمایش (مساحی به پیمایش) به اندازه‌گیری موجب رشد کشاورزی و به طبع افزایش محصول و مالیات گردید. (Rubin.1995:242)

در عصر ساسانیان نمی‌توان رشد اقتصادی را در طول این دوران به یک اندازه دانست، بلکه رشد اقتصادی با حوادث و رویدادهای طبیعی و غیرطبیعی تغییر می‌یافت. به‌طور کلی در این سرزمین وسیع و پهناور قابلیت‌های فراوانی برای تولید بوده است. وجود منابع و معادن غنی و سرشار از فلزات گران‌بها و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و مردمی تلاشگر و بااستعداد فراوان که به‌عنوان نیروی کار، تولید و تجارت اقتصادی ایران را از سقوط و تباهی بازمی‌داشتند، اهمیت داشت. از طرفی بیشتر اوقات با دادن مالیات‌های فراوان، مخارج سنگین مراسم و تشریفات درباری را تأمین می‌کردند (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۱۸۷-۱۸۵) و تمام حقوق کارمندان اداری و لشکری را به‌اجبار تحت عنوان‌های مختلف باید پرداخت می‌کردند. (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۴۰۹-۳۸۰) اصلاحات اقتصادی

خسرو انوشیروان - که تحت تأثیر خاندان مهران اشکانی بوده (Maksymuk. 2015: 163) - به خصوص در امر کشاورزی و سامان‌دهی آب‌رسانی نقش بسزایی در گسترش کشاورزی داشت و موجب تأسیس و رونق سکونت‌های بسیاری در خوزستان و عراق گردید که در قرن ششم میلادی منبع مناسبی برای دریافت مالیات بر زمین و کشاورزی برای دولت ساسانی ایجاد کرده بود. (Adam.1965:70)

دیوان‌های مالی و مالیات در ایران اسلامی

در ابتدای ظهور اسلام، با عناوین مختلف و از منابع گوناگونی مالیات اخذ می‌شد و بر مالیات‌های مرسوم و رایج، افزوده شد. تعدادی از مالیات‌های جدید عبارت‌اند از: مالیات بر ضراب‌خانه، مستغلات، معادن، کشتیرانی، ماهیگیری، کاسبی و صنعت و همچنین برخی از مالیات‌های شرعی مانند خمس و زکات و جزیه. بر اساس انواع و مبالغ اخذ مالیات دوره عباسی می‌توان به سامانه دریافت مالیات دوران ساسانی پی برد، پس با توجه به چنین اطلاعاتی می‌توان اظهار داشت که پایه و اساس مالیات دوران اسلامی طی قرون اولیه، تا حدود زیادی متأثر از مالیات ایران باستان بوده و حتی می‌توان بیان کرد که مالیات دوران اسلامی در اصل همان شیوه و روش مالیات ایران قبل از اسلام با رنگ و بویی اسلامی است. عمر خلیفه دوم با دسته‌بندی اراضی فتح شده و ایجاد خراج و واجب نمودن جزیه بر اهل کتاب، روش‌های اخذ مالیات اسلامی را به وجود آورد (مأوردی، ۱۹۶۶: ۷۴) که بعد از او هم به آن عمل شد. در ادامه لازم است به مهم‌ترین منابع مالیاتی این دوران اشاره شود.

جزیه - جزیه مالیاتی بود که سالی یک‌بار از اهل ذمه یعنی افراد غیرمسلمان تحت تابعیت اسلام گرفته می‌شد اگر کسی مسلمان می‌شد، از وی جزیه گرفته نمی‌شد. روش و مقدار اخذ جزیه در اسلام متفاوت بوده است، به‌عنوان مثال در زمان عمرو عاص مقدار جزیه دو دینار بود. علاوه بر آن هر مسلمانی که وارد مصر می‌شد، می‌توانست سه روز مهمان خانواده‌ای مصری باشد. همچنین زنان و اطفال نیز از پرداخت جزیه معاف بودند. در عراق در زمان عبدالملک درآمد و هزینه اهل ذمه را برآورد می‌کردند و آنچه کم می‌ماند به نام جزیه از او می‌گرفتند. (مزارعی، ۱۳۴۸: ۱۴۹)

خراگ - خراج: در لغت خراج به معنی درآمد، سود، پاداش و محصول زمین به کاررفته است. (ریش، ۱۳۷۳: ۶) این واژه به‌مرور زمان به مالیات تخصص یافت. در عرف آن، خراج معنای فراوانی داشته

است و بر انواع مالیات گفته می‌شود؛ اما در اصطلاح به معنای مالیات بر اراضی اطلاق می‌شد. اصطلاح خراج در منابع فقهی و شرعی به معنای مالیاتی است که به زمین تعلق می‌گیرد. فقها در برخی اقسام زمین به خصوص زمین‌هایی که به واسطه جنگ به دست آمده و نیز زمین‌هایی که بر اساس صلح بین مسلمانان با کفار به مالکیت مسلمانان درآمده است، پرداخت خراج را واجب دانستند. (بوسعیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹-۷۸)

در مجموع خراج مالیاتی بود که از املاک مزروعی گرفته می‌شد در ظاهر مقدار خراج در بسیاری از اراضی یک‌دهم محصول بوده است در بعضی موارد مقدار مالیات بسته به وسعت ملک بوده است. بعد از فتح ایران، اعراب کم‌وبیش روش مالیاتی زمان ساسانیان را اجرا می‌کردند، (حیدری و پورصادقی، ۱۴۰۱: ۱۸) ولی از زمان بنی‌امیه با وضع مالیات‌های تازه بر نواحی تابعه من جمله ایران و بالابردن میزان مالیات‌ها بیش‌ازپیش مردم را در زیر فشار قراردادند. (زیدان، ۱۳۴۹: ۸۱۷-۸۱۸) از جمله مالیات‌های جدید، مالیات تظلم بود که هر کس شکایتی داشت می‌بایستی مالیات پردازد، دیگری مالیات ازدواج بود و هر مردی که می‌خواست ازدواج کند می‌بایستی مالیات بدهد. غیر از این مالیات‌ها، مالیات‌های دیگری هم وجود داشته است که عبارت بوده‌اند از مالیات کسبی و بازرگانی و همچنین مالیات معدن به میزان یک‌پنجم از محصول معادن زیرزمینی چون وصول مالیات به طریق مقابله به عهده اشخاص متنفذ بود از افراد برای وصول بیشتر مالیات شدیدترین مظالم را نسبت به مردم روا می‌داشته‌اند. این اشخاص به‌طور معمول محصولات اراضی را به قیمت بیشتر ارزیابی می‌کردند، همچنین بر زمین‌های بایر مالیات می‌بستند. (اصفهانی، ۱۳۳۷: ج ۱/۳۴۰)

مالیات و درآمدهای ایران عصر اموی (۱۳۲-۴۱ ق)

در طول دوران خلافت امویان مانند زمان خلفای راشدین شهرهای ایران مستقیم توسط خلفای اموی اداره نمی‌شد و زیر نظر حکام بصره و کوفه بوده که از جانب آنان والیانی برای مناطق ایران انتخاب می‌شد. فاتحان عرب متوجه نیازشان به ثبت و ضبط اطلاعات خود در دیوان‌ها و دفاتر اداری شدند و میراث ساسانی دیوان پهلوی را به خدمت گرفتند. (هشیاری، ۱۹۳۸: ۶۷) مهارت ایرانیان در امر دیوان و نیاز امویان باعث توجه آنان بخصوص زیاد بن ابیه قرار گرفت. چنانکه آنان را سزاوارترین کسان در امور خراج و دیوان می‌دانست. (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۶۸) حجاج نیز برای تسلط بیشتر بر دیوان، قصد ترجمه آن را داشت. در این میان، دو دیدگاه در بین ایرانیان رواج داشت: یکی نگرش همکاری با فاتحان که عامل آن صالح بن عبدالرحمن سجستانی بود (بالذری، ۱۳۳۷: ۴۲۴)

و دیگری عدم ترجمه دیوان که مردانشاه پسر زادن فرخ مدافع آن بود. بر اساس روایات، صالح بن عبدالرحمن سجستانی، در جهت خواسته امرای عرب عراق، دیوان را به زبان عربی درآورد، گرچه برخی از دبیران ایرانی این امر را به سود خود نمی‌دانستند. صالح برای ادامه این کار به تربیت شاگردانی پرداخت. خدمات صالح علاوه بر ترجمه دیوان، بیشتر دبیران دیوان‌های عراق از شاگردان او شدند. (هشپاری، ۱۹۳۸: ۳۹) همچنین او در مورد خراج و امور فنی آن هم - از نظر استواری در فن نویسندگی به زبان عربی - مشهور شد. (مآوردی، ۱۹۶۶: ۲۶۶-۲۶۵) بعد از مرگ حجاج، او همچنان بر مسند دیوان عراق بود تا سلیمان بن عبدالملک او را به سمت بالاتر، یعنی عامل خراج عراق منصوب کرد. (الجبوری، ۲۰۰۳: ج ۳/۱۸۷-۱۸۶) یزید بن عبدالملک، صالح را برای راهنمایی عمر بن نبیره، امیر عراق، در خصوص مسائل خراج فرستاد؛ اما با وجود سفارش خلیفه درخصوص امنیت جانی وی، عمر او را کشت. (زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۹۲/۳)

برخلاف صدر اسلام که تشکیلات و نظام اداری ساده توأم با معنویت وجود داشت امویان نظام تجمل‌گرایی پر زرق و برقی را به وجود آوردند. به همین علت برای جبران هزینه مخارج هنگفت دربار و همچنین سرکوب و فرونشاندن قیام‌ها و جلب سیاستمداران به پول و ثروت زیادی نیاز داشتند. آنان برای دستیابی به چنین اهدافی، افراد لایق و شایسته‌ای را برای امور مالی به‌خصوص در شرق قلمرو خلافت، انتخاب می‌کردند (صالحی، ۱۴۰۱: ۱۲۴). متصدیان و متولیان دریافت مالیات، بیش از هر چیز، به تقویت مالی خود می‌اندیشیدند و در جهت خواسته‌های خلفای اموی و حتی گاهی بدون توجه به شرع اسلام، بر مقدار و انواع مالیات می‌افزودند تا وظیفه خود را در قبال خلافت انجام دهند. در این دوران، حکام ولایات وسیله ثروتمند شدن امویان بودند که این عمل را «دوشیدن ولایت» یا «خوردن ولایت» می‌گفتند. (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ج ۲/۴۷۵) برای رسیدن به این هدف و به‌دست آوردن ثروت، دست حکمرانان باز بود و نسبت به رعایای خود سخت‌گیری می‌کردند و برخلاف تعالیم اسلام و روش رایج در دوران خلفای راشدین و به‌خصوص دوره علی (ع) که به مأموران مالیاتی سفارش می‌کرد زمان اخذ خراج، با مردم مدارا نمایند و به آنان سخت‌گیری نکنند (القرشی، ۱۳۴۹: ۷۵-۷۴؛ ابویوسف، ۱۳۹۹: ۱۲۵)، در دوره اموی با مردم برای دریافت مالیات با بی‌رحمی تمام برخورد می‌شد. از عصر معاویه که دستگاه حکومتی اسلام - از رویه مذهبی به حکومت سیاسی و سلطنتی - تغییر کرد، اصل و اساس درآمد دولت را مالیات تشکیل می‌داد. بعد از فتوحات در بیشتر مناطق اعراب از روش مالیاتی همان کشور استفاده می‌کردند

و علاوه بر آن، مالیات‌هایی نظیر زکات که ناشی از احکام اسلامی بود اجرا می‌گردید. (مزارعی، ۱۳۴۸: ۱۴۸)

امویان مسئولیت جمع‌آوری مالیات‌ها را به اشراف و نجبای ایرانی واگذار کردند. (الخطیب، ۱۳۷۷: ۱۶ و ۶۸) این امر باعث شده بود که مردم ایران مسلمان نشوند، به‌خصوص در منطقه خراسان - که زرتشتی بودند - زیرا که اگر افرادی مسلمان می‌شدند، حتی جزیه بیشتری را نیز باید می‌پرداختند. در این زمان وضع طوری شد که حدود سی هزار مسلمان جزیه هم می‌پرداختند تا بدین صورت مانع مسلمان شدن ایرانی‌ها شوند، این در حالی بود که حدود هشتاد هزار نفر از اهل ذمه در نقاط دیگر از پرداخت مالیات معاف بودند. (اسلام‌نیا، بی‌تا: ۸) علاوه بر آن مأموران ایرانی مسئول اخذ مالیات، از مردم ایران بیش از آنچه مقرر بود دریافت می‌کردند و مقدار کمی از آن را به دولت می‌دادند و بقیه را برای خود نگه می‌داشتند. این کار باعث شده بود که مأموران اخذ مالیات روزبه‌روز ثروتمندتر شوند. در نتیجه این رفتار، هر روز بر ناراضی‌های عمومی از خلافت بنی‌امیه افزوده می‌شد. (الخطیب، ۱۳۷۷: ۶۲) آنان برای وصول مالیات مردم را به روش‌های مختلف شکنجه می‌دادند، از آن جمله این که آن‌ها را در آفتاب نگاه می‌داشتند و خمره‌های سنگین بر آن‌ها می‌آویختند. روش افزایش مالیات و رفتار خشونت برای اخذ آن و خوار نمودن مردم نواحی زیر سلطه به‌ویژه ایران و با عنوان موالی و داغ‌کردن و مهر کردن روستاییان، باعث فرار مردم برخی از نواحی شده و باعث قیام‌هایی بر ضد بنی‌امیه گردید و زمینه‌ساز بحران مالی شد. (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۸۲/۵) مسئله مهر نمودن روستاییان از جمله رفتار خشونت‌آمیز عمال اموی با مردم بود و بدین صورت بود که صفحه‌ای سربی به گردن شخص مالیات‌دهنده آویزان می‌کردند و روی آن مشخص می‌کردند که این فرد اهل کدام بخش و روستا است. اگر او جایی می‌رفت و صفحه سربی را در گردن نداشت او را به‌عنوان ولگرد دستگیر می‌کردند و تا زمان پرداخت تمام مالیات، این صفحه‌های سربی به گردن آنان بود و مجدد زمان محصول سال آینده نیز چنین می‌کردند (پیگولوسکایا و...، ۱۳۶۳: ۱۸۳) و یا بر گردن آنان نشان داغی ایجاد می‌کردند. (اشپولر، ۱۳۷۳: ج ۳۰۵/۲) در این دوران، افرادی مانند عبدالرحمان بن سمره (حاکم سیستان) به روش‌های مختلف از مردم پول می‌گرفتند، چنان‌که او دستور داد هر کس «راسو» یا «سوسمار» را بکشد باید جریمه شود و با این روش، پول‌های هنگفتی از مردم گرفت. (نفیسی، ۱۳۴۲: ۱۲۹) در عصر اموی در مورد مأموران اخذ مالیات، نظارت دقیقی بر آنان شکل نمی‌گرفت و هنگام عزل عاملان اگر تحقیقی و نظارتی صورت

می‌پذیرفت، فقط به این علت بود که اموال جمع‌آوری شده عمال را نصیب خود سازند. (دورانت، ۱۳۶۳: ج ۲۸۹/۴)

مالیات‌های مهم دریافتی امویان شامل مالیات سرانه (جزیه)، مالیات ارضی (خراج و عُشر و درآمد صوافی یعنی اراضی خالصه حاکم)، غنائم و هدایا بود. (سعیدیان جزی، ۲۳۹۴: ۱۵۵-۱۴۶) نحوه وصول مالیات و برخورد عمال اخذ مالیات با مردم، با دوره‌های قبلی تفاوت‌هایی داشت که اغلب مردم نواحی مفتوحه و تحت حاکمیت را از روش کلی امویان، به‌ویژه از شیوه‌های مالی آنان متنفر و آماده قیام علیه آنان نمود. در این بین، نواحی شرقی خلافت از ویژگی‌های خاصی برخوردار بودند که بررسی امور مالی این نواحی، بر شناخت بخشی از تاریخ این دوران کمک خواهد کرد. (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۷۴/۱) قوانین مالیاتی که در نظام خلافت اسلامی شکل گرفت، از مجموع قوانین حاکم بر جوامع سرزمین‌های مفتوحه تأثیر پذیرفته بود و نظام‌های قبلی به‌عنوان مرجعی مورد اعتماد قابل استفاده بود. (مقریزی، ۱۹۵۹: ج ۱۷۵/۱؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۶۷: ج ۴۸/۲) به‌عنوان مثال شیوه خراج که در نظام مالیاتی اسلامی بر اساس آن اجرا می‌شد، به‌طور کلی از نظام مالیاتی امپراتوری ساسانی الگو می‌گرفت؛ (مآوردی، ۱۹۶۶: ۱۴۸) زیرا که این نظام در ایران سبقه‌ای طولانی داشت. (جهشپاری، ۱۳۴۸: ۳۴ همچنین نک / Bosworth.C.E & Bolsharo / O.G1998: 23-58 Central Asia under the Umayyads and thd early Abbasid /History of UNESCO) civilaization of central Asia,voll. Social and economic setting

مالیات و درآمدهای ایران در عصر خلافت عباسی (۲۰۹-۱۳۲ ق)

با قدرت‌گیری عباسیان، بیشتر مردم؛ مانند قبل می‌بایست مالیات‌های فراوانی پرداخت نمایند. سرزمین ایران در دو قرن اول ورود اعراب به ایران، زیر سلطه و حکومت آنان و بر اساس قوانین و شرع اسلام اداره می‌شد. با تلاش و همت بلند ایرانیان در دوره بنی‌عباس، نظام اداری و دیوانی با الگوبرداری از دستگاه مدیریتی ساسانیان شکل گرفت. (حیدری و پورصادقی، ۱۴۰۱: ۲۱) عباسیان از ایرانیان صاحب‌نام و خاندان‌های بزرگ، از جمله برمکیان ذوالریاستین، مادرائیان و فاریابیان و... در امور دیوانی خود؛ استفاده فراوان می‌بردند. (اصطخری، ۱۸۷۰ م: ۱۴۶) ایرانیان در عصر عباسی چنان رشد نمودند که افراد زیادی از جمله ابوسلمه خلال و خالد برمکی و ابویوب موریانی و... به مقام وزارت یافتند. مقام ایرانیان چنان بالا رفته بود که مأمون حتی با دختر وزیر خود حسن بن سهل ازدواج کرد. (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۲۲) البته این بدان معنا نیست که عباسیان به کل از مسائل

دیوانی اموی و اسلامی غافل بوده‌اند؛ ولی وجود وزرا و مسئولان بلندپایه ایرانی بخصوص تا اواخر دوره عبدالرحمن مأمون رنگ و بوی کاملاً ایرانی به این دیوان ارزانی داشته بود. در این مسائل اثری که خاندان برمکی از خود برجای گذاشتند از تمامی افراد دیگر شاخص‌تر و قوی‌تر بوده است. (عقیلی، ۱۳۶۴: ۲۶) می‌توان گفت دیوان خراج اصلی‌ترین دیوان برای محاسبات اقتصادی در عصر عباسی بوده است.

نظام مالیات‌گیری دوران عباسیان بر اساس اصول و شیوه اسلامی اجرا می‌شد. درآمد عباسیان در دوره اول آن‌ها به اندازه‌ای زیاد بوده است که خود اعراب این دوره را درخشان‌ترین دوره حکومت عرب و یا اسلام می‌دانند. منابع درآمدی مالیاتی عباسیان به چند دسته به شرح ذیل تقسیم می‌شد.

الف- منابع شرعی: شامل ۱- جزیه: مالیات سرانه‌ای که به واسطه نص صریح قرآن از غیرمسلمانان تحت حکومت مسلمین دریافت می‌شد و زمان وصول آن اول ماه رجب بود. ۲- خراج و عشر: که این دو مالیات بر اراضی بود که می‌بایست صاحبان زمین‌ها هر سال بپردازند، ارض خراج به زمین زراعی آبادی گویند که صاحبانشان آن را رها کرده و بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشند، این زمین‌ها وقف مصالح مسلمین هستند و بهره‌برداری از آن‌ها به وسیله هر کس مستلزم پرداخت مالیات مخصوصی به بیت‌المال است. (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ج ۲/۲۷۹) سایر زمین‌ها جز آنچه بیان شد در شمول مالیات عشر قرار می‌گیرند. میزان خراج نسبت به مساحت زمین تعیین می‌شد که به آن «عبره» می‌گفتند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۱۰) بزود و مساحت آن را با وسائل و مقیاس‌های مشخص و معروفی مانند جریب یا ذراع مشخص می‌کردند و قیمت آن بر اساس درهم که رایج بود و به‌عنوان مالیات پرداخت می‌شد یا پیمان‌های - که بر اساس آن محصولات به‌صورت پیمان‌های کیل می‌کردند (وزن می‌کردند) - و مالیات آن را مشخص می‌کردند. (مآوردی، ۱۹۶۶: ۱۵۰-۱۴۷) ۳- زکات یا صدقه: یکی از مالیات‌های واجب اسلامی است که به معنی پاکیزگی و طهارت است و در قرآن بر آن تأکید شده است.

ب- منابع مالیاتی جدید: عباسیان مالیات و عوارضی را به وجود آوردند که بر انواع کالاهای تجاری و برخی صنایع و تولیدات تعلق می‌گرفت. به هنگام دریافت عوارض از کشتی‌های حمل کالا و همچنین برای جلوگیری از حرکت کشتی‌ها در رودخانه‌ها قبل از پرداخت مالیات و عوارض، از زنجیرهایی استفاده می‌کردند. بدین جهت مالیاتی که از این طریق می‌گرفتند، «ماصر» نامیده می‌شد.

این درآمدها باعث شده بود که خزانه عباسیان در دور اول حکومتشان چنان پر از ثروت باشد که آن‌ها را بسیار قدرتمند کرده و در مقابله با مشکلات فراوان اداره سرزمین‌های اسلامی موفق سازد. خلفا در این دوره چنان ثروتی به دست آورده بودند که نظیر آن در کمتر دوره‌ای از تاریخ اسلام دیده می‌شود. صابی در این باره می‌گوید: «... در روزگار معتضد و ابوالقاسم عبیدالله بن سلیمان و ابوالعباس بن الفرات و بدر تدبیر کامل بود و امور به سامان و عمران فراوان و اموال به وفور چنان که پس از پرداخت هزینه‌های جاری و پیش‌بینی‌نشده و حواله کردن بودجه مناطق و پرداخت حقوق مزدوران نواحی دو مرکز، نه میلیون دینار در بیت‌المال باقی می‌ماند. معتضد می‌خواست این مبلغ را به ده میلیون دینار برساند، سپس همه را ذوب کرده به صورت یک‌تکه دریاورد و آن را جلوی در ورودی دارالخلافه در معرض دید همگان بگذارد تا والیان مناطق بدانند که او ده میلیون دینار مازاد بر احتیاج دارد؛ اما تیغ اجل رشته املش (رؤیایش) را گسست». (صابی، ۱۴۲۴ ق: ۲۱۰-۲۰۹)

تلاش خلفا بر آن بود تا در اخذ مالیات‌ها به لحاظ قیمت و موعد پرداخت به خواست مردم توجه کنند و انصاف را رعایت بکنند. در زمان نورو و با وجودی که هنوز میوه‌ها نرسیده بودند و قابل استفاده نبودند مالیات آن را می‌گرفتند. در زمان متوکل او دستور داد زمان اخذ مالیات را تا اواخر خرداد عقب اندازند؛ اما این دستور پس از مرگ وی ادامه نیافت تا اینکه معتضد به خلافت رسید. او نورو را به ابتدای سال ۲۸۲ هجری قمری مصادف با ۱۱ ژوئن سال ۸۹۵ میلادی (۲۲ خردادماه) انداخت. نامه‌هایی از موصل مرکز خلافت معتضد به مناطق فرستاده شد. هدف وی از این اقدام رفاه حال مردم و مدارا با آنان بود. از این پس نورو معتضدی موعد سنجیدن مالیات اراضی بود. (العیون و الحدائق، ۱۹۷۳: ج ۷۹/۴) مالیات‌ها گاهی اوقات به صورت نقدی پرداخت می‌شد و گاهی اوقات هم به صورت جنسی. پرداخت جنسی در مالیات‌گیری از کشاورزان روش معمول بود. لازم به ذکر است که می‌باید تمایزی بین بیت‌المال عامه (خزانه دولت) و بیت‌المال خاصه (صندوق ذخیره خلیفه) و درآمد املاک خلافت و جرائم قضایی و مصادره اموال وزرا و... به آنجا وارد می‌شد، قائل شویم. (طبری، ۱۳۷۵: ج ۲۲۷/۸) در زمان بحران‌های مالی، کسری بودجه بیت‌المال عامه (خزانه دولت)، از بیت‌المال خاصه پرداخت می‌شد و برای جلوگیری از فلاکت دولت، خلیفه می‌بایست که از بیت‌المال خود مشکل را حل نماید. این کار در دوره معتضد، مکتفی و مقتدر صورت گرفت، چنان که در دوره مقتدر موجودی بیت‌المال خاصه به نفع بیت‌المال عامه به شدت کاهش یافت. (متز، ۱۳۶۴: ۲۳۰-۲۲۷) دولت عباسی در تدوین یک تراز واقعی مبتنی بر تعیین مخارج و برآورد درآمدها، تلاش‌هایی کرد. این برآورد که برخی از مورخان پنداشته‌اند همچون برآورد پیشینی

است که دولت را ملزم می‌کند اموالی را برحسب سهم هر منطقه از مالیات‌ها و به صورت غیرقانونی توزیع کند. در عین حال پیش‌بینی درآمدها تقریباً ممکن بود زیرا می‌شد درآمدهای ناشی از زمین و محصولات کشاورزی را بر پایه تولید معمول سال‌های گذشته تخمین زد. جزیه را بر پایه اسناد ثبتی که زادوولد و مرگ‌ومیر در آن نوشته می‌شد برآورد می‌کردند. شاید بتوان تراز علی بن عیسی وزیر به سال ۳۰۶ هجری قمری را که بر اساس طلا تدوین شد را نمونه‌ای از ترازهای واقعی عصر عباسی دانست. (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۱/۶۹-۵۶)

مالیات و درآمدهای عصر طاهریان

با شکل‌گیری حکومت‌های نیمه‌مستقل ایرانی، سعی و تلاش بر این بود که در وصول مالیات‌ها، احوال و اوضاع مردم رعایت شود. چنان‌که در نامه‌ای طاهر بن حسین به فرزندش عبدالله، تأکید فراوانی برای رعایت حال مردم در اخذ مالیات دارد و در آن آمده است: «حرص جانت را از خویشتن دور کن، ذخیره‌ها و گنج‌های تو نیکی باشد و پرهیزگاری و معدلت و بهبود رعیت و عمران ولایت و تفقد امور و حفظ جماعت و کمک به درماندگان. بدان که مال‌ها اگر فزونی گیرد و در خزینه‌ها ذخیره شود ثمر ندهد و اگر در بهبود رعیت و اعطای حقوقشان و رفع حاجتشان به کار رود، نمو کند و برآید و عامه به کمک آن بهی یابد ولایت‌داران از آن رونق گیرند و روزگار بدان خوش شود و مایه عزت و مناعت شود. می‌باید که گنج خزینه‌های تو پخش مال در عمران اسلام و مسلمانان باشد. حق دوستان امیرمؤمنان را که به نزد تواند به کفایت بده، سهم رعیت را به تمام ادا کن و لوازم اصلاح امور و معاششان را عهده کن. وقتی چنین کردی نعمت بر تو بماند و از جانب خدای مستحق فزونی شوی و در کار گرفتن خراج و فراهم‌آوردن مال از رعیت و قلمرو خویش توانا تر باشی و جماعت به سبب شمول عدالت و احسانت به‌آسانی مطیع تو شوند و هر چه را خواهی کرد به خوش‌دلی بپذیرند. درباره آنچه گفتم بکوش و مراقب آن باش که از این مال، تنها آنچه در راه حق خرج شده باشد به‌جا می‌ماند». (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۴/۵۶۹۷)

خراسان یکی از سرزمین‌های ثروتمند و مهم آن زمان به حساب می‌آمد و شامل کل مناطق شمال شرقی ایران تا مرز چین بود. ابتدا مرکز قدرت آن مناطق شهر مرو بود؛ ولی بعدها نیشابور شد و آن را به قسمت‌های مختلفی تقسیم کردند. طاهریان در جمع‌آوری مال و ثروت بسیار کوشا و حریص بودند. خراج خراسان در دوران فرمانروایی طاهریان به چهل درهم می‌رسید. (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۳۸) معتصم خلیفه عباسی معتقد بود که خراج طبرستان می‌بایست به طاهریان و خراسان

داده شود، زیرا آنان امنیت را در آن نواحی برقرار ساخته بودند. «... مازیار پسر قارن با خاندان طاهر رقابت داشت و خراج به نزد ایشان نمی‌فرستاد معتصم بدو می‌نوشت و دستور می‌داد خراج را به نزد عبدالله بن طاهر فرستد، اما می‌گفت: نزد او نمی‌فرستم، بلکه نزد امیرمؤمنان می‌فرستم، و چنان بود که وقتی مازیار خراج را سوی معتصم می‌فرستاد و مال به همدان می‌رسید، معتصم یکی را از جانب خویش دستور می‌داد که آن را بگیرد و به یار عبدالله بن طاهر تسلیم کند که به خراسان بازفرستد». (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۳/۵۸۹۰)

پایتخت طاهریان، نیشابور وسعت و رشد و رونق زیادی از هرجهت به‌خصوص صنعت و تجارت به دست آورد. با تلاش طاهریان سرزمین خراسان چنان آباد شده بود که صنعتگران از تمام نقاط از جمله اهواز، ری، اصفهان، بلخ، بخارا، هند، سند، چین، روم، مصر و حتی بغداد به‌سوی نیشابور آمده و در آنجا ساکن می‌شدند؛ و «خراج سالیانه تمام خراسان را به‌استثنای مالیات یک‌پنجمی به مصرف خود خراسان می‌رساندند». (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۳۸) بر اساس نوشته‌ای که ابن خردادبه در کتاب خود المسالک والممالک آورده است، مقدار خراجی که عبدالله بن طاهر - که به‌جای پدرش طاهر حکمران خراسان شده بود - بایست می‌پرداخت، بدین صورت بود: ری ۱۰ میلیون درهم، کوش ۲۱۹۶۰۰۰ درهم، گرگان ۱۰۱۷۶۸۰۰ درهم، کرمان ۵۰۰۰۰۰۰ و سیستان و زابلستان ۹۴۷۰۰۰ درهم و نیشابور ۴۱۰۸۹۰۰ و... بود. (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۴)

عوارض و مالیات راه‌ها: در رشد و پیشرفت اقتصادی هر کشور و جامعه‌ای، راه‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند، زیرا بدون راه‌های خوب و مناسب حمل کالاها از منطقه و شهری به‌جایی دیگر ممکن نبود. در دوران طاهریان، راه‌ها باعث رشد و توسعه تجارت و بازرگانی شد. امنیت راه‌ها در این زمان نیز اثر فراوانی بر رونق و توسعه تجارت و بازرگانی داشت. آنان برای تأمین امنیت و آرامش از بازرگانان و تجار عوارض و مالیات دریافت می‌کردند. تعداد زیادی از شهرهای خراسان به علت قرارگرفتن در مسیر راه‌های بازرگانی مورد توجه قرار گرفته و رشد و پیشرفت فراوانی کردند. از مهم‌ترین این راه‌ها در آن عصر، می‌توان به شاهراه بزرگ خراسان اشاره کرد که مهم‌ترین راهی بود که مراکز مهم بازرگانی را در ماوراءالنهر و خراسان به هم متصل می‌کرد. (le strange, 1873: 382؛ اشیپولر، ۱۳۷۳: ج ۲/۳۸۴)

تجار و کاروان‌ها راه نیشابور را ترجیح می‌دادند و آنجا را بازار مناسبی برای فروش کالاهای خود می‌دانستند و راهی را که موسوم به راه ابریشم بود و از نیشابور عبور می‌کرد از دوران طاهریان رونق گرفت (مقدسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۷۵) زیرا آن‌ها بودند که این شهر را مرکز حکومت خود قرار دادند

و موجب رشد آن شدند. حاکم نیشابوری در مورد اوضاع بازرگانان این شهر آورده است: «محلّه نصرآباد، اعلا شهر بود بزرگ و عریض محل علما و تجار بود. امام حاکم گفت: چل بازرگانان بودند در آن وقت عبدالله بن طاهر به هر عیدی کی از ایشان اهل شهر را دعوتی کردی که همه خلایق شهر را فرارسیدی...» (حاکم، ۱۳۷۵: ۲۰۱). مراکز صنعتی، تجارت، انبارها، بازارها و کاروان‌سراهای نیشابور می‌توانست تجار زیادی را به خود جذب کند. ابن حوقل در مورد بازارهای نیشابور می‌نویسد: «مهم‌ترین آن‌ها دو بازار است به نام‌های مربعه الکبیره و مربعه الصغیره که از مربعه به‌سوی مغرب روی بازار تا مقابر حسینین کشیده شده و در میانه این بازارها کاروان‌سراها و فندق‌هاست که بازرگانان در آن جا برای تجارت می‌نشینند و نیز خانبارهایی برای دادوستد وجود دارد...» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۸-۱۶۷)

عوارض و مالیات گمرکی: طاهریان بر واردات و صادرات کالاها در مناطق مرزی، نظارت و تسلط داشتند. بازرگانان و تجار برای ورود و خروج کالاها باید عوارض و مالیات پرداخت می‌کردند. در نواحی مرزی و سرحدات مراکزی ساخته می‌شدند که علاوه بر محاسبان و ناظران تعدادی مأمور بر اجرای دقیق امور نظارت و حضور داشتند. هرچند که گاهی اوقات سوءاستفاده‌هایی توسط آن‌ها صورت می‌گرفت. میزان و مبلغ عوارض بر اساس ارزش و نوع کالاها تعیین می‌شد. این عوارض در طول دوران طاهریان گرفته می‌شد. خراج خراسان از همه مناطق به‌غیر از عوارضی که از سرحدات جمع‌آوری می‌شد، به ۴۰ میلیون درهم می‌رسید و طاهریان کل آن را در راهی که صلاح می‌دیدند، خرج می‌کردند. (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۳۸)

در مجموع می‌توان گفت در عصر طاهریان نظام مالیاتی به‌عنوان یکی از منابع مالی دولت به کار گرفته می‌شد. مهم‌ترین منابع درآمدی عصر طاهریان عبارت‌اند از: الف) مالیات تجاری که تاجران و صنعتگران باید مالیاتی به نسبت درآمدهای خود به دولت پرداخت می‌کردند. این مالیات در اصل برای تأمین هزینه‌های نظامی و مدنی دولت در حفظ امنیت و خدمات عمومی استفاده می‌شد. ب) مالیاتی به نام «خراج» برای رعایت شرایط خاص اختصاص داده بودند. افراد غیرمسلمان موظف بودند که مالیات خراج را پرداخت کنند. پ) همچنین عوارض گمرکی که بر ورود و خروج کالاها در مناطق ورودی کشور، نظارت می‌شد. بازرگانان برای ورود و خروج کالاها باید عوارض و مالیات حق عبور پرداخت می‌کردند.

مالیات و درآمدهای عصر صفاریان

شیوه حکومت و کشورداری صفاریان از برخی جهات شبیه مملکت‌داری خلفا و از برخی جهات شبیه به روش شاهان قبل از اسلام ایران بود. (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۶۶) آن‌ها در استفاده از گارد نظامی مخصوص و تربیت سپاهیان لایق که قدرت و شوکت یعقوب را نشان می‌دادند، شبیه پادشاهان ایرانی و از جهت انتخاب جانشین و انتخاب عمال از شیوه خلفای بنی‌عباس الگوبرداری می‌کردند. (پرگاری، ۱۳۸۷: ۵۴) در این دوران مالیات را بر اساس درآمدها، دریافت می‌کردند. افرادی که توان مالی کمی داشتند از دادن مالیات معاف بودند و از بیت‌المال به آن کمک مالی می‌شد. صفاریان چون به سرزمینی تسلط می‌یافتند برای آن خراج تعیین می‌کردند و اموال حاکم آن سرزمین را مصادره می‌کردند و اگر مردم آن سرزمین شورش می‌کردند در صورت غلبه مجدد خراج را بیشتر می‌کردند. باتوجه‌به اینکه یعقوب بیشتر وقت خود را مشغول به لشکرکشی و تصرف بود قطعاً فرصتی برای ایجاد سازمان اداری و مالیاتی منسجم و مرتب نداشت. در زمینه کشورداری حکام مورد اعتماد را در مناطق متصرف مسئول رسیدگی قرار می‌داد. در زمان یعقوب دیوان رسایل را محمد ابن وصیف که در زبان فارسی ماهر بود اداره می‌کرد «البته نامه‌ها در آن زمان به عربی نگاشته می‌شد». (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۰۹)

صفاریان مالیات را برحسب درآمد اخذ می‌کردند. افرادی که توان مالی کمی داشتند؛ مانند فقرا و ضعفا از دادن مالیات معاف بودند و حتی از بیت‌المال به آن کمک مالی می‌شد. (باستانی پاریزی، ۱۳۵۳: ۲۹۷) عمرو لیث به مال‌اندوزی اهمیت می‌داد و اموال خزائن او بیشتر از خراج و مالیات مناطق زیر سلطه و اموال امرای کشوری و شهری تأمین می‌شد. (پرگاری، ۱۳۸۷: ۶۹) عمرو به‌اندازه زیادی اموال ذخیره می‌کرد به‌طوری‌که وقتی در نبرد با اسماعیل سامانی به او گفتند که رد شدن از بلخ مشکل است گفت: «اگر بخواهم پلی از طلا روی بلخ بسازم می‌توانم». (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۳۵۱) همچنین آورده‌اند که: «عمرو لیث چهار خزانه داشت که یکی به سلاح و سه خزانه دیگر به اموال اختصاص داشت. ۱) خزانه‌ای که از طریق صدقات و جزیه‌ها فراهم می‌شد و به پرداخت دستمزد و حقوق سپاهیان اختصاص داشت. ۲) خزانه اموال خاصه که مخارج آن از مالیات غله و حقوق سپاهیان اختصاص داشت. ۳) خزانه‌ای که اموال مصادره‌ای امرای حکومتی در آن گرد می‌آمد - این افراد یا مورد سوءظن قرار می‌گرفتند یا به دشمنان تمایل می‌یافتند - از این خزانه پادشاه و جوایز سپاهیان و جاسوسان و نمایندگان و سفرا پرداخت می‌شد». (پرگاری، ۱۳۸۷: ۷۰)

به طور نسبی در عصر صفاریان سیاست‌های مالیاتی مهمی اجرا شد. حکومت صفاریان به عنوان یک دوره تاریخی مهم در ایران شناخته می‌شود. در این دوران، قوانین اخذ مالیات به شیوه‌هایی جمع‌بندی می‌شدند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: الف) در عصر صفاریان، خمس یکی از اساسی‌ترین قوانین اخذ مالیات بود. مالیات خمس به نسبت یک‌پنجم درآمد افراد مختلف برای حفظ دفاع و امنیت دولت، جمع‌آوری می‌شد و همه مردم باید این مالیات را به دولت پرداخت کنند. ب) زکات مالیاتی است که برای رفع نیازهای مردم و تأمین بخشی از هزینه‌های عمومی دولت جمع‌آوری می‌شد. این قانون برای افرادی که دارای ثروت بیشتری می‌بودند، الزامی بود. پ) نوعی مالیات (به نام خراج) بر املاک غیرمنقول در عصر صفاریان بود. در اصل، مالکان زمین‌ها و باغات می‌بایست مالیاتی را بر اساس مساحت ملک خود پرداخت می‌کردند. البته لازم به ذکر است که این فقط برخی از قوانین بوده و قوانین بیشتری برای اخذ مالیات در این دوره وجود داشته است.

مالیات و درآمدهای عصر آل زیار

وضع اقتصادی و مالی آل زیار با وجود کشمکش‌های دائم و درگیری‌های پیاپی امیران این دوره، بسیار خوب و حتی در اواخر آن دوران، متعادل بود. (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۵۳: ۲۳) دودمان زیاریان به عنوان یک سلسله حکومتی نیاز به پایگاه‌های اقتصادی داشتند تا مخارج امور مملکتی و لشکرکشی و کشورگشایی را برطرف سازند. این خاندان ریشه‌ای از طبقه اشراف نظامی و شاید اقتصادی داشت. پس از تسلط زیاریان بر مناطق گیلان و طبرستان، با توجه به حاصلخیزی این مناطق، اتکای اقتصادی این دودمان بر کشاورزی، دامداری و ماهیگیری بنا شد و بی‌رقیب بودن امیران زیاری در منطقه موجب شد منابع اقتصادی سرشاری نصیب آنان گردد و به نسبت سایر نواحی، در آن عصر از رفاه خوبی برخوردار بودند. بزرگ‌ترین منبع درآمد حکومت زیاریان گرفتن خراج سالیانه از مردم بود که همواره برقرار بود؛ با این حال بار مالیاتی سنگینی بر دوش عامه نبود و مردمان محلی زندگی به نسبت راحتی داشتند. علاوه بر این، صادرات محصولات کشاورزی، تجارت ابریشم، پارچه، سفال و دیگر آلات معیشت منبع درآمد خوبی هم برای مردم منطقه و هم برای حاکمان زیاری داشت. (مفرد، ۱۳۸۶: ۱۵۶) پطروشفسکی معتقد است گرگان، پایتخت زیاریان، در این دوره اوج قدرت صنعتی و علمی خود را طی می‌کرده و صاحب صنایع پارچه‌بافی، سفالگری، شیشه‌سازی، دام‌پروری و پرورش گل‌های معطر بوده است. (پطروشفسکی، ۱۳۵۴: ۲۵۱-۲۳۸)

اقدامات مستقیم و غیرمستقیم دستگاه خلافت عباسی و عوامل آن تشکیل حکومت‌های ملی را مغایر با منافع خود می‌دانست و علیه آن‌ها دسیسه‌چینی می‌کرد؛ ولی با توجه به این‌که پایه اقتصادی منطقه مذکور بر اجتماعات شهری و روستایی استوار بود که بدون توجه به تغییرات و تحولات سیاسی و نزاع‌های جاری، به ادامه کسب و زراعت خود اشتغال داشتند، لطمه‌ای به آن وارد نشد. (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۵۳:۲۳) عدم دسترسی دودمان‌های رقیب به کوه‌ها و جنگل‌های صعب‌العبور، موجب می‌شد حاکمان این ناحیه بتوانند در سالیان متمادی گنجینه‌های بسیاری را در قلعه‌های دورافتاده خود پنهان نمایند. منابع در ذکر وقایع این دوران چندین بار به خزائن مخفی آل زیار اشاره نموده‌اند؛ این گنجینه‌ها می‌توانست در تنگناهای محاصره یا شکست پشتیبان خوبی برای امرای زیاری باشد. همچنین گاهی امیران زیاری با تسلط بر قلعه‌های پادوسبانی، باوندی و... بر گنجینه‌های آنان نیز دست می‌یافتند. در کل، مالیات و غارت مناطق تصرف‌شده و نیز غنائم حاصل از لشکرکشی از منبع‌های درآمد زیاریان بود و به‌خصوص مرداویج در ابتدای امر، اتکای ویژه‌ای بدین شیوه کسب ثروت داشت. علاوه بر جمع‌آوری غنائم، مناطق فتح‌شده می‌بایست باج و خراج سالیانه‌ای نیز به حکومت جدید خود می‌پرداختند و حتی گاهی هزینه لشکریان فاتح بر عهده طرف شکست‌خورده بود. (مفرد، ۱۳۸۶: ۱۵۷) امیران پس از مرداویج، گرچه محدود به نواحی کوچک‌تری بودند، ولی به‌راحتی از پس مخارج خود برمی‌آمدند و پس از شکست در جنگ، مجدداً لشکر می‌آراستند و به میدان بازمی‌گشتند. پیش از منوچهر هیچ‌یک از امیران آل زیار خراجی به دیگر حکومت‌ها نمی‌پرداختند؛ ولی از این دوره بود که زیاریان تابع سلطنت غزنوی شدند و اغلب در حدود پنجاه‌هزار دینار خراج سالیانه به غزنویان و پس از آنان به سلجوقیان، می‌پرداختند. علاوه بر این، هرازچندگاهی امیران زیاری مجبور به پرداخت مبالغ اضافه‌ای نیز بودند. (مفرد، ۱۳۸۶: ۱۵۸) می‌توان چنین نتیجه گرفت که در عصر آل زیار سیاست‌های مالیاتی مهمی به کار گرفته می‌شد. آل زیار به‌عنوان خاندانی که پس از سقوط سامانیان در ایران به حکومت رسیده بودند. قوانین اخذ مالیات در این دوره نیز برای حفظ امور مالی و اداری دولت بودند. مالیات‌ها در عصر آل زیار شامل درآمدهای مختلف افراد و تجارت‌ها بودند. این مالیات‌ها ممکن بود به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم اخذ شوند و می‌توانستند بر اساس نوع درآمد و ثروت افراد متفاوت باشند. همچنین، مالیات‌ها برای حفظ تعادل مالی و تأمین نیازهای دولت اخذ می‌شدند، اما جزئیات دقیق‌تر در مورد این قوانین مالیاتی برای این دوره تاریخی هنوز به دست نیامده است.

مالیات و درآمدهای عصر سامانیان

از زمان شکل‌گیری حکومت‌های نیمه‌مستقل در ایران، وضع درآمد و مصرف مالیات و طرز وصول آن بهتر از دوران حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس شد؛ چراکه دیگر همه یا بخشی از مالیات به بغداد ارسال نمی‌شد تا موجب تسخیر و تسلط اعراب بر ایران و ایرانیان نگردد. امرای ایرانی مثل عرب‌ها برای اخذ مالیات بی‌رحمی و بی‌عدالتی نشان نمی‌دادند و حتی رعایت می‌کردند که به رعیت ظلم نشود. به‌عنوان مثال به اطلاع امیر اسماعیل سامانی رسید که در ری سنگی که خراج را با آن وزن می‌کردند، سنگین‌تر از سنگ‌های دیگر است. امیر اسماعیل سامانی فردی را به‌سوی ری فرستاد تا سنگ‌ها را مهر کرده و به بخارا ببرند. «ون چیرایلچی» (مقام ارشد مالی) وارد ری شد، مردم متوهم شدند که مبادا به جهت شلتاکی (نزاع) آمده؛ پس سنگ‌ها را مهر کرده با خود به‌جانب بخارا برد. احتیاط کردند از وزن مقرر زاده بیرون آمد. (میرخواند، ۱۳۷۳: ج ۴/۲۳۲) به بیان ابن حوقل، با وجود آنکه سامانیان در گرفتن مالیات عدل و انصاف را رعایت می‌کردند، در حالت معمولی درآمد آنان به چهل میلیون درهم می‌رسید که بر اساس رسم ایرانیان قدیم دو بار در سال و هر بار بیست میلیون درهم جمع‌آوری می‌شد. او همچنین اشاره می‌کند که مناطق تحت سلطه سامانیان به فراوانی ثروت و نعمت بسیار مشهور بوده است. (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۷۰-۴۶۹) در دوره سامانیان به علت رشد و رونق تجارت در شهرها، به‌خصوص سمرقند و بخارا مردم از شرایط آسایش و رفاه بهتری نسبت به دیگر مناطق برخوردار بودند و سکه‌های درهم سامانی در سراسر قلمرو سامانی و حتی خارج از آن مورد استفاده تجار قرار می‌گرفت (Merison & Harir, 2021: 114) و نظام پولی تحت عنوان سکه درهم یا درهم سیاه در کلیه قلمرو رواج داشت و از اعتبار زیادی برخوردار بود. (Treadwell, 2007: 14)

خراج: مقدسی در مورد خراجی که در زمان سامانیان گرفته می‌شد، در کتاب خود آورده است که: «بر فرغانه دویست و هشتاد هزار محمدی و بر شاش یک‌صد و هشتاد هزار درم مسیبی و بر خجنده مقاطعه وار بابت عشریه یک‌صد هزار مسیبی و بر سغد و کش و نسف و اشروسنه (نیم) یک میلیون و سی و نه هزار و سی و یک درم محمدی است. خراج اسب‌جباب چهار دانق است، با یک مکنسبه است که با هدایای دیگر همه‌ساله برای سلطان فرستاده می‌شود، خراج بخارا یک میلیون و یک‌صد و شصت و شش هزار و هشت‌صد و نود و هفت درم غطریفی است...» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱/۳۴۰). همچنین مقدسی در ادامه راجع به میزان خراج آورده است که: «نرخ خراج ارزان می‌بود تا در روزگار امیر حمید به سبب وامی که برای انجام کاری گرفته بود، خراج یک سال را

دوبرابر کرد، ولی همچنان تا به امروز برجا ماند...» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۴۹۸/۱) در ادامه مقدسی آورده است که در چه دورانی مقدار خراج کم و از چه زمانی بر میزان خراج افزوده شده است: «نرخ خراج ارزان می‌بود تا در روزگار امیر حمید به سبب وامی که برای انجام کاری گرفته بود، خراج یک سال را دو برابر کرد، ولی همچنان تا به امروز برجا ماند، پس خراج نیشابور ۱۱۰۸۹۰۰ درم است و بر سه خزانه (انبار) ۱۶۲۴۸۴۷ درم می‌باشد...» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۴۹۸/۱) لازم به ذکر است که نظام مالی و پولی سامانی باتوجه به تفاوت نوع سکه‌های در سراسر قلمرو تفاوت می‌کرد و نونان لیستی کامل از نظام مالی و نوع سکه‌های سامانی در شهرها و ایالت‌ها مختلف ارائه می‌دهد. (Nonnan, 2000: 384)

در مورد خراج ماوراءالنهر ابن حوقل آورده است که: «در هنگامی که من در آن سامان بودم، مالیات آنجا به عهده ابن منصور صالح بن نوح بود و در سال دومرتبه دریافت می‌شد؛ یعنی هر شش ماه یکبار و اگر لازم بود به چهل میلیون درهم می‌رسید. خراج یک جریب کوچک از یک چهارم درهم تا دو سوم و تا سه چهارم است و من منصور بن نوح را دیدم که در هر سال چهار جیره به طور مداوم و لاینقطع می‌داد و هر جیره در سر نود روز پرداخت می‌شد. نخست به غلامان و خاصان و سران لشکر و سپس به سایر کارگزاران می‌پرداختند...» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۹۹).

جزیه: در عصر سامانیان میزان جزیه بر اساس قدرت پرداخت اقدار مختلف جامعه تقسیم‌بندی شده بود. برای گروه کم‌درآمد (دهقانان و پیشه‌وران) سالانه ۱۲ درهم، برای افرادی که از طبقه خاص نبودند (طبقه متوسط) ۲۴ درهم و برای صرافان، ثروتمندان، بازرگانان و پزشکان ۴۸ درهم در نظر گرفته بودند. دریافت جزیه به روش تحقیرآمیزی صورت می‌گرفت. مالیات‌دهندگان برای مدت کوتاهی در زمان حجاج و البته نه در همه‌جا، به وسیله داغی بر گردن مشخص می‌شدند. (اشپولر، ۱۳۷۳: ج ۳۰۷/۲)

عوارض و مالیات راهداری: در سراسر حکومت سامانی در هر محدوده مأمورانی به‌عنوان راهدار استقرار داشتند و وظیفه آنان حفاظت از راه‌ها، گرفتن مالیات و عوارض و بررسی برگ عبور بردگان را به عهده داشتند. سامانیان بر تجارت جاده ابریشم نیز تسلط داشتند و تجارت در این مسیر با سکه‌های سامانی در غرب و شرق در جریان بود. سکه‌های سامانی در سال‌های ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلادی در شهرهای اسکانداوناوی نیز مبادله می‌شده است. (Merison & Harir, 2021: 117) به گفته مقدسی مالیات‌ها کم و سبک هستند و تنها برای بردگان گزاف بود و در این زمینه سخت‌گیری می‌شد و سپس در ادامه می‌آورد: «هیچ غلام بی اجازه‌نامه ویژه از

سلطان، حق گذشتن از آب را ندارد. هفتاد تا صد درم نیز همراه جواز می‌ستانند. همین اندازه نیز از کنیزکان مالیات می‌گیرند، ولی درباره اینان اگر ترک باشند، جواز لازم نیست. زنان نیز بیست تا سی درم و از شتر دو درم و از کالای هر سوار یک درهم می‌ستانند». (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱/۳۴۰ و ۴۹۹)

مال المصالحه: مال المصالحه وجهی بود که پس از صلح و سازش، یکی از طرفین درگیر متعهد به پرداخت آن می‌شد، طبق روایت مورخان، نوح بن نصر، در مورد واگذاری ری در برابر تعهد مالی عمادالدوله به پرداخت سالانه صد هزار دینار - علاوه بر مبلغ تعهد شده توسط ابوعلی - به صورت مخفیانه به توافق رسید. نوح فردی را برای بستن قرارداد و دریافت مالیات به ری فرستاد؛ اما بعدها که وضع خراسان خراب شد، عمادالدوله به بهانه اینکه احتمال دارد ابوعلی به ری دست یابد، از پرداخت آن امتناع کرد. (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ج ۸/۴۶۴)

مالیات بر ارث: مالیات بر ارث نیز از دیگر درآمدهای دولت به حساب می‌آمد. این رسم ظاهراً در زمان خلافت معتمد از طریق نظامی به نام دیوان موارث بنیان نهاده شد. معتمد در ۲۸۳ ق این دیوان را لغو کرد و دستور داد اضافه بر سهم موارث را به نزدیکان آنان پس دهند، اگرچه مدتی بعد برقرار و سپس ملغی گردید. (السامرایی، ۱۳۷۷: ۲۲۸) در ظاهر گرفتن این نوع مالیات در اواخر عصر سامانیان، تنها از دیوانیان اخذ می‌گردید. در این عصر هر کدام از دیوانیان فوت می‌کرد، از اموال او مقداری را می‌گرفتند. این رسم تا زمان سلطان محمود ادامه داشت و زمانی که او به قدرت رسید، این رسم ناعادلانه را برانداخت و دستور داد که از ورثه چیزی نگیرد. (بیهقی، ۱۳۸۸: ۲۲۶-۲۲۵)

ابن حوقل که خود از نزدیک شاهد نظام حکومتی سامانیان بود، می‌آورد: «جمع‌آوری مالیات خراج‌ها و اموال خزانه‌های سامانیان کم‌تر از جاهای دیگر و با این حال در سراسر مشرق اسلامی حکومت آنان استوارتر، عده و ساز و برگشان کامل‌تر و منظم‌تر و عطایاشان بیش‌تر و جیره سربازانشان افزون‌تر و بیستگانی‌شان مداوم‌تر است. به هنگام مسافرت ابن حوقل بدان امارت خراسان و ماوراءالنهر به دست ابوصالح منصور بن نوح بود و در سال دو بار یعنی هر شش ماه بیست میلیون درهم از محل جبايت خراسان و ماوراءالنهر برای او حاصل می‌آمده، در سال به چهل میلیون درهم بالغ می‌شد» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۹۸).

به‌طورنسبی می‌توان گفت در عصر سامانیان نظام مالیاتی مهمی در حکومت ایشان اجرا می‌شد. سامانیان از مالیات به‌عنوان یکی از منابع اصلی درآمد دولت استفاده می‌کردند. قوانین مالیاتی در

این دوران شامل درآمدهای مختلف افراد مانند مزارع، صنایع و تجارت بود. مالیات‌ها در این دوره ممکن بود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (مانند مالیات بر کسب و کارهای تجاری و مالیات بر خرید و فروش) اخذ می‌شد. همچنین، ممکن بود مالیات‌ها بر اساس نوع مالیات و درآمد شخصی و کسب و کار متفاوت باشند. همچنین قوانینی برای اخذ مالیات وجود داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به مالیات عملیاتی و غیرعملیاتی، رباهای مالیاتی و مالیات بر مصرف نام برد.

نتایج پژوهش

دستگاه مالیاتی امویان، عباسیان و حکومت‌های نیمه‌مستقل ایران بعد اسلام، برگرفته از حکومت ساسانیان بوده و دهقانان و دبیران ایرانی در پیروی و اجرای این امر نقش مهمی ایفا نمودند و فقط در چارچوب قوانین و احکام شرعی و حقوقی اسلامی قرار گرفت. ایران در عصر ساسانیان از اقتصادی سازمان‌یافته و شکوفا برخوردار بود و همچنین سازمان‌های به هم پیوسته و منظمی برای درآمدهای جامعه داشت. این ساختار از نظام طبقاتی بسیار گسترده و منظمی پیروی می‌کرد که در مقابله با اعراب و حتی با پذیرش اسلام، در همان جایگاه قبلی خود باقی ماند، به خصوص طبقه کشاورزان و دهقانان که از ارکان مهم اقتصادی محسوب می‌شدند. کشاورزان دارای زمین با حفظ مالکیت اراضی خود مانند گذشته، وظیفه پرداخت درآمدهای حاصل از زمین‌های خود را در قالب مالیات و خراج بر عهده داشتند. از آنجائی که اعراب با روش اخذ مالیات آشنایی نداشتند، دهقانان را که در قبل مسئول جمع‌آوری خراج اراضی کشاورزی بودند و با میزان خراج هر منطقه آشنایی داشتند بر کار قبلی خود ابقا کردند. آنان این نقش اقتصادی را اکنون برای حاکمان جدید بازی می‌کردند و شاید مهم‌ترین کاری بود که به ایرانیان واگذار شده بود.

پادشاهان ساسانی از نظر سازمان‌دهی نظام مالیاتی، بحث مالی، دارایی‌ها، دیوان‌ها و دفاتر مربوط به آن دارای نظام بلندبالا و در عین حال منظمی بودند که بسیار مورد استفاده اعراب و امرای آنان در دوران اسلامی قرار گرفت. در واقع در زمان اعراب سازمان‌های مالی ایران عصر ساسانی تقریباً به همان صورت قبلی باقی ماند؛ چراکه هنگام فتوحات اموال زیادی به دست اعراب افتاد و در تقسیم آن عاجز ماندند و مجبور شدند به تقلید از ایرانیان نظام دیوانی ایجاد کنند.

هجوم اعراب به ایران تنها توانست نظام سیاسی قبلی را تغییر دهد و دستگاه اقتصادی و عوامل آن، همچنان بر همان شیوه قبلی استوار ماندند. گرچه ایرانیان در این دوران در دستگاه سیاسی اموی نقش قابل توجهی نداشتند؛ اما در نظام اقتصادی آن نقش مهم و سازنده‌ای را ایفا نمودند.

شاید بتوان گفت همین نقش آن‌ها در امور مالی بود که دوام نظام سیاسی اموی را نیز در پی داشت. برخلاف دوره امویان، ایرانیان در زمان خلافت عباسی به‌خصوص قبل از نفوذ ترکان در دستگاه خلافت، نفوذ و حضور زیادی داشتند و شیوه دولت ساسانیان را بر مبنای اصول اسلامی به اجرا درآوردند. مسلمانان در هنگام فتح سرزمین‌های جدید به‌ویژه مناطقی مانند ایران، نظام مالی قبلی را تا جایی که با اصول اسلامی منافاتی نداشت و نیاز مالی فاتحان را برطرف می‌کرد، قبول داشتند و در جهت دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود، از مجریان و مؤدیان مالیاتی بومی و نیز دهقانان ایرانی کمک گرفتند. همچنین راجع به خراج و جزیه به لحاظ کم‌وکیف از نظام و مأموران ایرانی بهره برده‌اند. نظام مالیاتی ایران قبل از اسلام در حوزه نظام دیوانی و نظام اخذ مالیات، خدمات زیادی به فاتحان مسلمان کرد. مدیریت سرزمین‌ها و جوامع، بدون استفاده از قدرت سیاسی و حکومتی قدرتمند و امکانات اقتصادی فراوان، ممکن نیست و بدین جهت، اسلام نیز منابع مالی؛ مانند خمس، زکات و جزیه را جهت تأمین نیازهای مالی خود وضع نمود. از دیگر امور مرتبط با اقتصاد که از دوران ساسانیان به عصر اسلامی ایران منتقل گردید و در زمان خلفا و حکومت‌های نیمه‌مستقل ایرانی و حتی بعد از آن تا چند قرن همچنان دست‌نخورده باقی ماند، تقسیمات کشوری مناطقی بود که دیوان‌های مالیاتی آن مناطق بر اساس همان تقسیمات کشوری، وضع شده بود و از مردم دریافت می‌گردید. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به درآمدهای (مالیاتی) جامعه ایرانی بعد از ورود اسلام - که بیشتر برگرفته از روش ساسانیان بود - رشد و شکوفایی اقتصاد ایران به‌خصوص در دوران حکومت‌های نیمه‌مستقل (طاهریان، صفاریان، علویان، آل زیار و سامانیان) محسوس‌تر بود که این پیشرفت جامعه به‌ویژه در امور فرهنگی تأثیر به‌سزایی داشت.

فهرست منابع و مطالعات

- ابن حوقل، (۱۳۴۵) *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۳) *الکامل*، جلد ۸، برگردان محمدحسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن خردادبه، *ابوالقاسم عبیدالله*، (۱۳۷۱) *المسالک و الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه‌ای از آندره میکل، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- ابن طقطقی، (۱۳۵۰) *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن اسحق همدانی، (۱۳۴۹) *البلدان*، ترجمه ح، مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- ابن مسکویه رازی، ابوعلی، (۱۳۷۶) *تجارب‌الامم*، جلد ۱، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: انتشارات توس.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، (۱۳۹۹) *الخراج*، ترجمه محمد رحیم ربانی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسلام نیا، فریدون، (بی‌تا) *نگاهی به تاریخ ایران بعد از اسلام*، بی‌جا: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل.
- اشپولر، برتولد، (۱۳۷۳) *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، جلد ۲، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۶۸) *المسالک و الممالک*، ترجمه ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، عمادالدین حسین، (۱۳۳۷) *تاریخ مفصل اسلام*، جلد ۱، تهران: نشر اسلام.
- الخطیب، عبدالله مهدی، (۱۳۷۷) *ایران در روزگار اموی*، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: رسالت قلم.
- الریس، ضیاءالدین، (۱۳۷۳) *خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی*، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- السامرای، وفیق، (۱۳۷۷) *ویرانی دروازه شرقی*، ترجمه عدنان قارونی، تهران: مرکز فرهنگی سپاه.
- القرشی، شریف، (۱۳۴۹) *نظام حکومتی و اداری در اسلام*، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۵۳) *یعقوب لیث*، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۳۷) *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: انتشارات نقره.
- بوسعیدی، فرشته، محمدعلی چلونگر و اصغر منتظرالقائم و زهرا حسین هاشمی، (۱۳۹۸) *خراج نگاری در چهار قرن نخست هجری با تأکید بر نقش شیعیان*، فصلنامه علمی ترویجی، سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، (۱۳۸۸) *تاریخ بیهقی*، مصحح: محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن.
- پرگاری، صالح، (۱۳۸۷) *تاریخ تحولات سیاسی اقتصادی فرهنگی در دوره صفاریان*، علویان، تهران: سمت.

- پطروشفسکی، ایلیا پائو لوویچ، (۱۳۵۴) *تاریخ ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- پیرنیا، حسن، (۱۳۷۰) *ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا و دیگران، (۱۳۶۳) *تاریخ ایران «از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی»*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
- (۱۳۶۶) *تاریخ سیستان*، تصحیح ملک الشعراى بهار، تهران: پدیده خاور.
- تنوخی، محسن بن علی، (۱۹۲۱ م) *نشوار المحاضره و اخبار المذاکره*، لندن.
- الجبوری، کامل سلمان، (۲۰۰۳). *معجم الأدباء من العصر الجاهلی حتى سنه ۲۰۰۲*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۱۹۷۳ م) *العیون و الحدائق فی احوال الحقایق*، المجلد ۴، تصحیح عمر سعیدی، دمشق: المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیه.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس، (۱۳۴۸) *الوزراء و الکتاب*، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران: تابان.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۳۷۵) *تاریخ نیشابور*، جلد ۲، ترجمه محمدحسین خلیفه نیشابوری، تهران: آگهی.
- حسن، ابراهیم حسن، (۱۳۷۶) *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
- حیدری، سلیمان و علی پورصادقی، (۱۴۰۱) *انتقال قوانین مالیاتی عصر ساسانیان به جهان اسلامی در قرون نخستین اسلامی*، فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال ۱۲، شماره ۴۵، بهار، صفحات ۲۸-۵.
- دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۶۳) *تاریخ تمدن «مشرق زمین، گهواره تمدن»*، جلد ۴، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، (۱۳۷۱) *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- زرکلی، خیرالدین بن محمود، (۱۹۸۰)، *الاعلام الزرکلی؛ قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، جلد ۳، بیروت: دارالعلوم للملايين.
- زیدان، جرجی، (۱۳۶۹) *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سعیدیان جزئی، مریم، (۱۳۹۴) *منابع مالی امویان در خراسان*، نشریه مطالعات اسلامی تاریخ و فرهنگ، شماره ۹۴، بهار و تابستان.

- سلیمی، حشمت‌الله، (۱۳۸۶) *خراج و شبکه آبیاری در قلمرو سامانیان*، فصلنامه بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۳، پاییز.
- صابی، ابواسحاق هلال، (۱۴۲۴ ق) *الوزراء*، قاهره: دارالافتاء العربیه.
- صالحی، کورش، (۱۴۰۱) *کاربست نظریه شکاف و گریز اجتماعی در جامعه ایرانی قرن اول هجری*، مجله تاریخ ایران، دوره ۱۵، شماره پاییز و زمستان ۲، شماره پیاپی ۳۳، صص ۱۱۳-۱۳۵.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵) *تاریخ طبری «تاریخ الرسل و الملوک»*، جلد ۲ و ۵ و ۸ و ۱۳ و ۱۴، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عرب، حسنعلی و حسین صادقی، (۱۳۹۲) *برآورد درآمدهای مالیاتی دولت ساسانی (بر اساس مدارک باستان‌شناسی و منابع تاریخی)*، پژوهش‌نامه تاریخ، سال هشتم، شماره ۳۲، پاییز، صفحات ۱۱۱-۸۹.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام، (۱۳۶۴) *آثار الوزراء*، تصحیح و تعلیق ارموی، تهران: اطلاعات فاروق عمر، مفید، (۱۹۸۹ م) *النظام الاسلامیة*، بغداد: منشورات دارالحکم.
- فرای، ریچارد، ن، (۱۳۶۵) *بخارا دستاورد قرون وسطی*، جلد ۲، ترجمه محمود محمودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریستن سن، آرتور، (۱۳۶۸) *نخستین انسان و نخستین شهریار*، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران: انتشارات توس.
- کریستن سن، آرتور، (۱۳۷۴) *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه مجتبی مینوی، تهران: اساطیر.
- مأوردی، (۱۹۶۶ م) *احکام السلطانیة*، قاهره: مکتبه و مطبعة مصطفى البابی.
- منتر، آدم، (۱۳۶۴) *تمدن اسلام در قرن ۴ هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر.
- محمودی ملایری، محمد، (۱۳۷۵) *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، جلد ۵، تهران: نشر توس.
- مدرسی طباطبایی، حسین، (۱۳۶۷) *زمین در فقه اسلامی*، جلد ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی مزارعی، عدنان، (۱۳۴۸) *تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران و ایرانیان از آغاز تا صفویه*، تهران: انتشارات مرد مبارز.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۴) *مروج الذهب و معادن الجواهر*، جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- مفرد، محمدعلی، (۱۳۸۶) *ظهور و سقوط آل زیار*، تهران: انتشارات رسانش.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد ابن احمد، (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، جلد ۱، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مقریزی، تقی الدین، (۱۹۵۹)، *الخطط*، المجلد ۱، بیروت: مکتبه اطباء العلوم.
- ملک زاده بیانی، بانو، (۱۳۵۳) *سکه های زیاری*، مجله معارف اسلامی شماره ۱۷، اول ژوئیه ۲۰۱۳
- میرخواند، محمد ابن خاوندشاه، (۱۳۷۳) *روضه الصفا*، جلد ۴، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، تهران: انتشارات علمی.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، (۱۳۶۳) *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تحقیق و تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران: توس.
- نفسی، سعید، (۱۳۴۲) *تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان*، تهران: دانشگاه تهران.
- هشیاری، محمد بن عبدوس، (۱۹۳۸)، *الوزراء و الكتاب*، القاهره: مطبعه عبدالله اسماعیل الصاوی
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، المجلد ۱، بیروت: دارصادر.
- یعقوبی، ابن واضح، (۱۳۵۶)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد ابن اسحاق، (۱۳۸۲) *تاریخ یعقوبی*، جلد ۱، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

Adam, R. Mcc (1965) *Land behind Baghdad. A history of settlement on the Diyala plain*, Chicago and Landa.

Bosworth. C. E & Bolsharo O.G (1998): *Central Asia under the Umayyads and the early Abbasid /History of civilization of central Asia*, vol1. Social and economic setting, UNESCO publishing.

Floor, W. (2011) *Baj*, *encyclopedia Iranica*, ed. ehsan Yarshter, www.iranicaonline. com. vol III, fasc.5.

Le Strange, G. (1873). *The Lands of the Eastern Caliphate*. New York: Barnes Noble.

The Pahlavi- Mehran Family Faithful Allies «-Maksymiuk, K. (2015). *of Xusrō I Anōšīravān* K : *ΜεταμορφозBi^{III} Top^{III} nr6*.

-
- Meirison. U.I.B, Harir.M (2021) *Samanid denasty development, goverment, admivistration m race and science*, Journal of Islamic studies and Humanities, vol.6.no.2. pp111-119
- Noonan,T.S(2000) *The impact of the Islamic trade upon urbanization in the Rus Lands: the tenth and early eleventh centuries*, Les centre Proto-urbanis russes entre Scandinavic, Byzance et orient ed. M.Kazanski, A. Nercessian etc Zucherman, Paris,pp.379-393
- Rubin,Zeev (1995) *The Byzantine and early Islamic near east, III: States, resources and aries*, ed by a Cameron Princeton
- Treadwell.L (2007) *The Monetary history of the Bukharkhuda dirham (black dirham) in Samanid trasoxania (204-395/819-1005)*, Oriental numismatic society, Journal, academia edu vol.